

دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید، جلسه ۱۶، تصویر خدا، بخش ۲، و مقدمه‌ای بر پادشاهی خدا

دیو متیوسون و تد هیلدیرانت © ۲۰۲۴

این دکتر دیو متیوسون در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید است. این جلسه شانزدهم در مورد تصویر خدا، بخش ۲، و مقدمه‌ای بر پادشاهی خداست.

بنابراین، در پایان به کولسیان فصل ۳ و آیات ۹ و ۱۰ می‌پردازیم، جایی که اشاره‌ای به تجدید تصویر خدا در ما، قوم او، پیدا می‌کنیم و من شروع به پیوند دادن آن به فصل ۱ و آیه ۱۵ کولسیان می‌کنم که در آن عیسی مسیح، خود مسیح مجسم، تصویر خداست.

و اکنون در آیات ۳، ۹ و ۱۰، به ویژه آیه ۱۰ از رساله کولسیان، اشاره‌ای به تجدید تصویر خدا در شناخت تصویر خالق آن می‌یابیم. احتمالاً، این ارتباط به این دلیل است که به واسطه پیوستن به مسیح، که تصویر خداست، فصل ۱، آیه ۱۵، تصویر در ما شروع به تجدید شدن می‌کند. بنابراین نه با پیوستن به انسان قدیم، خود قدیمی، بودن در آدم، بلکه اکنون با بودن در مسیح، پیوستن به انسان جدید که تصویر خداست، فصل ۱، آیه ۱۵، اکنون پولس می‌گوید که تصویر خدا در ما تجدید می‌شود.

بنابراین، این نوعی جنبه از پیش موجود تصویر است. ما در حال حاضر در تصویر در حال تجدید شدن هستیم. تصویری که آدم از دست داد یا خراب کرد، اکنون به واسطه پیوستن به انسان جدید، یعنی به شخص عیسی مسیح، در ما در حال بازسازی است.

برخی حتی گفته‌اند که در آیه ۱۰، اشاره به تجدید دانش است، و برخی گفته‌اند که ممکن است منعکس کننده دانش، درخت شناخت نیک و بد، در فصل دوم پیدایش باشد. من نمی‌خواهم بیشتر از این به این موضوع بپردازم، اما نکته این است که اشارات واضحی به فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش در زبان تصویر در کولسیان فصل ۳ و همچنین فصل ۱ وجود دارد. جای دیگری که در ادبیات پولس، تصویری از زبان خدا می‌یابیم، دوم قرن‌تیان است. به عنوان مثال، در دوم قرن‌تیان فصل ۳ و آیه ۱۸، دوم قرن‌تیان ۳ و آیه ۱۸.

من به عقب برمی‌گردم و آیه ۱۷ را می‌خوانم، و حالا خداوند روح است. این پایان آن بخش است که به عهد جدید می‌پردازد، پولس به عنوان خادم عهد جدید که حول محور عطا‌ی روح القدس و خدمت روح القدس است. این بخش با این جمله به پایان می‌رسد، اکنون خداوند روح است، و هر جا که روح خداوند باشد آزادی وجود دارد.

و همه ما که چهره‌های بی‌پوشش داریم، جلال خداوند را در نظر می‌گیریم که با جلال روزافزونی که از جانب خداوند، که روح است، می‌آید، به تصویر او تبدیل می‌شود. بنابراین اکنون که در تصویر تازه می‌شود، تصویر خدا، که به تصویر مسیح تبدیل می‌شود، اکنون توسط کار روح در زندگی قومش رخ می‌دهد. فصل ۴ و آیه ۴، خدای این عصر، هنوز دوم قرن‌تیان، فصل ۴ و آیه ۴، خدای این عصر ذهن کافران را کور کرده است تا نتوانند نور انجیل را که جلال مسیح را که تصویر خداست، نشان می‌دهد، ببینند.

زبانی مشابه آنچه در کولسیان ۱ و آیه ۱۵ می‌یابیم. بنابراین، به احتمال زیاد، این متون از دوم قرن‌تیان باید بسیار شبیه به رومیان ۸-۲۹ و اول قرن‌تیان ۱۵ و ۴۵ و پس از آن ۴۹ فهمیده و خوانده شوند. همچنین کولسیان فصل ۱ و آیه ۱۵ به مسیح به عنوان تصویر خدا اشاره می‌کند.

جالب اینجاست که در اوج اشاره به دوم قرن‌تینان، دوم قرن‌تینان ۱۷:۵، متن خلقت جدید، وجود دارد. اگر کسی در مسیح باشد، خلقت جدیدی وجود دارد. بنابراین اکنون خدا این کار را در خلقت جدیدی انجام می‌دهد که آن را از طریق رستاخیز پسرش عیسی مسیح آغاز می‌کند.

بار دیگر، عیسی تصویر واقعی خدا در تحقق تصویر آدم و آنچه قرار بود آدم انجام دهد، است. اکنون عیسی تصویر واقعی خدا است و این تصویر به دلیل تعلق به مسیح در ما بازسازی می‌شود. از طریق روح القدس او، آن تصویر ما به تصویر عیسی مسیح تبدیل می‌شویم، بنابراین شروع به بازسازی و تحقق آنچه آدم در فصل اول پیدایش نتوانست به آن دست یابد، می‌کنیم. بنابراین، با نقل قولی دوباره از کتاب چارلز اسکوبی، راه‌های خدای ما، الهیات کتاب مقدسی او، او با این جمله خلاصه می‌کند که پولس معتقد است که عصر آخرالزمان، یعنی خلقت جدید، پادشاهی خدا، توسط یک مرد، یعنی عیسی، آغاز شده است که مظهر نیت خدا برای همه انسان‌ها است، نیتی که توسط آدم اول خنثی شد اما اکنون در آدم آخر محقق می‌شود.

و دوباره، او این کار را در مورد خلقت جدیدی که آغاز می‌کند، انجام می‌دهد. حال، وقتی از ادبیات پولس خارج می‌شویم، اشارات دیگری را می‌بینیم که به طور ضمنی یا صریح به عیسی مسیح به تصویر خدا یا به انجام رساندن نقش آدم و مأموریت آدم توسط عیسی مسیح، و به انجام رساندن کاری که آدم در انجام آن شکست خورد، اشاره دارند. و سپس متنی که به طور خلاصه به آن خواهیم پرداخت، به نظر من به طور ضمنی جنبه هنوز به تصویر کشیده نشده خدا در قومش را منعکس می‌کند.

نقطه شروع، کتاب عبرانیان برای ارجاعات به عیسی مسیح یا به بشریت به تصویر خدا، به ویژه با انعکاس تصویر آدم، خواهد بود. فصل ۱ و آیه ۳ در همان ابتدای کتاب می‌تواند دوباره به عیسی مسیح به عنوان تصویر خدا اشاره کند. آیه ۳ از عبرانیان ۱، خورشید درخشش جلال خداست، نمایش دقیق وجود او که همه چیز را نگه می‌دارد.

اکنون ما حامل نهایی تصویر نهایی خدا را می‌یابیم، کسی که جلال خدا را منعکس می‌کند، کسی که خود خداست و نمایانگر دقیق وجود خداست. اما سپس در فصل ۲، آیات ۸ و ۹ کتاب عبرانیان، در فصل ۲ در واقع از ۶ تا شروع آیه ۶ عبرانیان ۲، نویسنده شروع به نقل قول از مزمور ۸ می‌کند. ما قبلاً دیدیم که مزمور ۸ مزموری است که خلقت اولیه خدا و کرامت انسانی را که به تصویر خدا آفریده شده است ستایش می‌کند، کسی که قرار بود بر آن حکومت کند. اکنون نویسنده عبرانیان ۲ از آن مزمور نقل قول می‌کند، او می‌گوید از آیه ۶ شروع می‌شود، اما در فصل ۲ جایی است که کسی شهادت داده است، انسان چیست که به او توجه کنی؟ پسر انسان است که به او اهمیت بدهی.

تو آنها را اندکی پایین‌تر از فرشتگان قرار دادی، تاج جلال و افتخار را بر سرشان گذاشتی، همه چیز را زیر پای آنها گذاشتی. سپس او به مفاهیم مزمور اشاره می‌کند. با قرار دادن همه چیز تحت فرمان آنها، خدا چیزی را که مطیع آنها نباشد، باقی نگذاشت.

با این حال، در حال حاضر، ما همه چیز را تابع آنها نمی‌بینیم. این تقریباً همان چیزی است که اتفاق افتاده، یا هنوز اتفاق نیفتاده است. ما هنوز همه چیز را تابع بشریت نمی‌بینیم.

اما بعد، در آیه ۹، او می‌گوید، اما ما عیسی را می‌بینیم که برای مدتی کوتاه از فرشتگان پایین‌تر قرار گرفت اما اکنون تاج جلال و افتخار بر سر دارد، زیرا او مرگ را متحمل شد تا به فیض، فیض خدا، طعم مرگ را برای همه بچشد. حال، وقتی این را می‌خوانم، تعجب می‌کنم که چرا نویسنده از مزمور ۸ نقل قول کرده است. منظورم این است که اگر به عقب برگردید و مزمور ۸ را بخوانید، واقعاً نبوی نیست. در نگاه اول به

نظر نمی‌رسد که یک مزموور داوودی باشد، نوعی مزموور سلطنتی که اغلب در عهد جدید برای مسیح به کار می‌رود.

چرا مزموور ۸؟ دوباره فکر می‌کنم؛ ارتباط این است که به عنوان پسر داوود، اگر به فصل ۱، آیه ۵ برگردید نویسنده دوباره متن پسر را نقل می‌کند، او به عیسی به عنوان یک پسر اشاره می‌کند. در آیه ۵، او پسر داوود است. تو پسر من هستی.

امروز من پدر تو می‌شوم. من پدر او خواهم بود و او پسر من خواهد بود، دوم سموئیل ۷. پس این به عنوان پسر داوود است. حالا در فصل ۲، مسیح را به عنوان پسر داوود می‌بینیم که نقش آدم را ایفا می‌کند.

به عبارت دیگر، نیت خدا برای بشریت در مزموور ۸ تثبیت و منعکس شده بود، مبنی بر اینکه آنها بر همه چیزهایی که نویسنده می‌گوید حکومت خواهند کرد، اما اکنون ما چنین چیزی را نمی‌بینیم. این نیت در نهایت در عیسی مسیح، که آدم دوم است، تحقق می‌یابد. بنابراین، دوباره، کاری که آدم و حوا در پیدایش ۱ و ۲ و در مزموور ۸ نتوانستند انجام دهند، اکنون در عیسی مسیح به انجام می‌رسد.

بنابراین، به همین دلیل، نویسنده می‌تواند از مزموور ۸ در اشاره به مسیح نقل قول کند، نه به این دلیل که لزوماً آمدن مسیح را پیشگویی می‌کند، بلکه صرفاً به این دلیل که نیت خدا برای آدم در مزموور ۸ اکنون در آدم آخر، که عیسی مسیح است، تحقق می‌یابد، کسی که اکنون می‌آید تا کاری را که او در انجام آن شکست خورد، به انجام برساند. و باز هم، او این کار را به عنوان پسر داوود از مزموور فصل ۲ و مزموور ۱۱۰ و دوم سموئیل ۷ انجام می‌دهد. متن دیگری برای فراتر رفتن از عبرانیان، به نوعی فراتر رفتن از عبرانیان که ممکن است تصویر زبان خدا، زبان آدم، را نیز منعکس کند، فصل ۱ و آیه ۸ از یعقوب خواهد بود. بنابراین یعقوب ۱، متاسفم، ۱۸، یعقوب ۱۸:۱، دوباره، به طور ضمنی، ممکن است به طور ضمنی تصویر آدم را منعکس کند.

او تصمیم گرفت که ما را از طریق کلام حق به دنیا بیاورد، و ما ممکن است نوبر تمام آفریده‌های او باشیم و تنها چیزی که می‌خواهم از این موضوع برداشت کنم این است که به طور ضمنی، ما متوجه می‌شویم، ما به این متن اشاره می‌کنیم، فکر می‌کنم، در زمینه بحث در مورد خلقت جدید و اشاره به خلقت، موضوع خلقت جدید. اما یک بار دیگر، این واقعیت که ما نوبر خلقت او هستیم، به معنای واقعی کلمه نوبر خلقت او، ممکن است دوباره به طور ضمنی بیان کند که اکنون نیت خدا برای اولین خلقت خود و حامل تصویر او، آدم، سرانجام در قوم خود در خلقت جدید محقق می‌شود.

اما چیزی که می‌خواهم با آن بحث را تمام کنم، کتاب مکاشفه است و دوباره به آیات ۲۱ و ۲۲، به ویژه آیه نگاهی می‌اندازم. در یک متن خاص، دیدیم که مکاشفه ۲۱ و ۲۲، نقطه اوج دیدگاه یوحنا در مورد هدف ۲۲، تاریخ رستگاری است که در آن تمام بشریت در خلقتی جدید در رابطه عهد جدید با خدا و بره که اکنون در میان آنها ساکن است، زندگی می‌کنند. کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که به انتهای فصل ۲۲ بروم اما قبل از انجام این کار، فقط به خلاصه‌ای که ارائه دادم توجه کنید که من فقط زبان خلقت را بیان کردم و دوباره به ارتباط آن با خلقت اول اشاره می‌کنم. اما در فصل ۵:۲۲، متوجه می‌شویم که در انتهای توصیف او از خلقت جدید، و اکنون یوحنا در حال توصیف خود قوم خدا و آنچه در خلقت جدید انجام می‌دهند، نوع نقش آنها است و آیه ۵ می‌گوید: دیگر شبی نخواهد بود.

آنها، قوم او، به نور بره یا نور خورشید نیازی نخواهند داشت، زیرا خداوند به آنها نور خواهد بخشید و آنها تا ابد سلطنت خواهند کرد. حال، من دوباره این متن را در رابطه با پادشاهی بررسی خواهم کرد، اما به نظر من در اینجا هدف نهایی نیت خدا برای آدم و حوا در پیدایش ۱ را که حکومت بر زمین بود، می‌یابیم. آنها به عنوان حاملان تصویر او، به عنوان کسانی که به تصویر خدا آفریده شده‌اند، بر خلقت حکومت خواهند

کرد، به طوری که فصل ۲۲ مکاشفه با سلطنت ابدی قوم خدا بر خلقت جدید به پایان می‌رسد، به نظر من، در تحقق نیت اولیه خدا برای بشریت.

بنابراین آدم و حوا، به عنوان حاملان تصویر خدا، قرار بود حکومت خدا را بر تمام خلقت گسترش دهند که در انجام آن شکست خوردند، اما اکنون، از طریق عیسی مسیح، با شروع به بازگرداندن تصویر خدا در قوم خود و از طریق اتحاد قوم خود با او، تصویر خدا در آنها بازسازی می‌شود، اکنون چیزی را که هنوز به طور کامل به آن نرسیده‌ایم، می‌بینیم. اکنون، اوج آن بازسازی را با قوم خدا می‌بینیم. اگرچه کلمه تصویر در اینجا استفاده نشده است، می‌توانیم بگوییم که در اینجا قوم خدا هستند که با حکومت بر تمام خلقت، بر خلقتی جدید، بازسازی شده و تجدید شده، تصویر خدا را منعکس می‌کنند. بنابراین، اگر بتوانم موضوع تصویر خدا را در سراسر عهد عتیق و جدید خلاصه کنم، گرگ بیل در الهیات کتاب مقدس عهد جدید خود می‌گوید که مسیح به عنوان زمان آخر برای آدم آمده است تا کاری را که آدم اول باید انجام می‌داد، انجام دهد و تصویر پدرش را به طور کامل منعکس کند و مردم را قادر سازد که آن تصویر را در خود نیز بازسازی کنند.

با انجام این کار، مسیح تاریخ را از نو آغاز می‌کند، که یک عصر خلقت جدید است که قرار است در ظهور نهایی او با موفقیت به کمال برسد. سپس، تصویر خدا در ما توسط ما که به مسیح تعلق داریم، دگرگون می‌شود. در پایان آدم، که تصویر خدا را به طور کامل منعکس می‌کند، آن تصویر در ما که به مسیح تعلق داریم، که تصویر واقعی خداست، دگرگون می‌شود. بنابراین، در مسیح، آنچه آدم در انجام آن شکست خورد، در مسیح به انجام رسید و اکنون در قوم او در حال انجام است و در کمال با قوم خدا که بر خلقت جدید حکومت می‌کنند و تصویر خدا را منعکس می‌کنند، همانطور که قرار بود آدم در ابتدا در فصل اول پیدایش این کار را انجام دهد، به انجام خواهد رسید. بنابراین، ارتباط دیگری بین آغاز و پایان کتاب مقدس

موضوع تصویر خدا، گذار خوبی به موضوع بعدی یا موضوع بعدی، یک موضوع الهیاتی کتاب مقدسی عهد جدید که می‌خواهیم در مورد آن بحث کنیم، یعنی موضوع پادشاهی خدا، فراهم می‌کند. باز هم، تعدادی از محققان فکر می‌کنند که این موضوع، موضوع فراگیر یا مرکز موضوع غالب یا موضوع اصلی الهیات عهد جدید است. چه اینطور باشد چه نباشد، مطمئناً یک موضوع برجسته است و همانطور که خواهیم دید، می‌تواند تعدادی از موضوعات دیگر را در عهد جدید ادغام کند.

و بنابراین، وقتی بار دیگر درباره پادشاهی خدا بحث می‌کنیم، باید به خلقت، تصویر خدا، قوم خدا و عهد جدید بپردازیم؛ همه اینها ارتباط نزدیکی با موضوع پادشاهی خدا خواهند داشت. اما اول از همه، برای اشاره مختصر به شواهد زبانی، کلمه پادشاهی از مضمون پادشاهی خدا از کلمه عبری مالکوت یا یونانی باسیلیا به معنای پادشاهی می‌آید. اما همچنین مهم است که بدانیم وقتی به مضمون پادشاهی خدا نگاه می‌کنیم، نباید خود را به کاربرد این اصطلاحات محدود کنیم.

بله، آنها مهم هستند و باید نقطه شروعی برای درک ما از معنای این اصطلاحات باشند، اما وجود یا عدم وجود آنها لزوماً به معنای وجود یا عدم وجود موضوع پادشاهی خدا نیست. بنابراین، اگر اصطلاح پادشاهی وجود ندارد، به این معنی نیست که مفهوم، موضوع کتاب مقدسی-الهیاتی پادشاهی خدا، مورد بحث قرار نمی‌گیرد. هر دو اصطلاح، احتمالاً در درجه اول وقتی که ما از نظر موضوع الهیاتی پادشاهی خدا فکر می‌کنیم، مفهوم سلطنت یا حکومت یا حاکمیت پویای خدا را القا می‌کنند.

نه چندان، اگرچه می‌توان از آنها برای این موارد استفاده کرد، اما وقتی به اصطلاح پادشاهی خدا فکر می‌کنیم، نباید در درجه اول آن را به عنوان یک قلمرو جغرافیایی مانند بریتانیا در نظر بگیریم. ما نباید منحصرأ به یک دوره زمانی یا مفهوم دیگری فکر کنیم، بلکه در عوض، باز هم باید پادشاهی خدا را به عنوان سلطنت یا

حکومت پویای خدا یا حاکمیت خدا که قرار است بر کل زمین برقرار کند، در نظر بگیریم. حال دوباره، شاید فقط چند مدل برای درک پادشاهی خدا در نظر بگیریم.

در گذشته، مردم کارهای زیادی با پادشاهی خدا انجام داده‌اند. گاهی اوقات این پادشاهی با جامعه و با این جهان همسو شده است. دیسپنسیشنالیسم کلاسیک اساساً پادشاهی خدا را به پادشاهی هزار ساله آینده محدود می‌کرد، زمانی که خدا از طریق مسیح بر زمین حکومت خواهد کرد، بنابراین آنها آن را به یک دوره زمانی محدود می‌کردند، یعنی سلطنت هزار ساله که در مکاشفه فصل 20 درباره آن می‌خوانیم.

ما بعداً در مورد آن متن در رابطه با پادشاهی خدا صحبت خواهیم کرد، اما در این مرحله، من صرفاً می‌خواهم به یک مفهوم بسیار رایج از پادشاهی خدا اشاره کنم که آن را به یک دوره زمانی و مکانی خاص محدود می‌کند که در آن عیسی مسیح به مدت هزار سال در آینده بر ملت اسرائیل سلطنت و حکومت می‌کند. ما با این دیدگاه تعامل خواهیم کرد و امیدواریم، با پیشرفت بحث ما، شما به درک درستی از معنای پادشاهی خدا برسید. باز هم، من نمی‌خواهم در مورد همه چیزهایی که پادشاهی خدا در بر دارد بحث کنم.

این موضوع می‌تواند به راحتی به موضوعی بسیار گسترده تبدیل شود، اما من بار دیگر مشتاقم که بررسی کنم چگونه این مفهوم در سراسر عهدین توسعه می‌یابد و در مسیح و قوم او در عهد جدید تحقق می‌یابد. همچنین، همانطور که قبلاً حدس زده‌اید، بررسی خواهیم کرد که چگونه این مفهوم در آن طرح از پیش موجود اما نه هنوز از نظر تحقق آن مشارکت دارد. با این حال، درست است که در برخی از متون هم‌نوا مفهوم قلمرویی که شخص وارد آن می‌شود، به نظر می‌رسد وجود دارد، زیرا، به عنوان مثال، در لوقا فصل ۱۶، بعداً به آنچه انجیل‌ها در مورد پادشاهی خدا می‌گویند با جزئیات بیشتری خواهیم پرداخت ۱۶، اما من فقط می‌خواهم چند متن را برجسته کنم.

در لوقا ۱۶ و آیه ۱۶، نویسنده می‌گوید: «تورات و پیامبران تا زمان یحیی اعلام شده بودند. از آن زمان مژده پادشاهی خدا موعظه شده است و هر کسی به زور راه خود را به آن باز می‌کند.» روش‌های مختلفی برای ترجمه این موضوع وجود دارد، اما تنها چیزی که می‌خواهم در این لحظه تأکید کنم این است که به نظر می‌رسد پادشاهی خدا قلمرویی را ایجاد می‌کند که می‌توان وارد آن شد.

اما در درجه اول، خواهیم دید که این اصطلاح برای سلطنت یا حکومت پویای خدا، حاکمیت او، استفاده می‌شود، اما باز هم، در برخی موارد، می‌تواند قلمرویی باشد که توسط آن حکومت و حاکمیت ایجاد شده است و مردم می‌توانند واقعاً وارد آن شوند و به آن تعلق داشته باشند. حال، نکته دیگری که با شروع بررسی موضوع پادشاهی خدا در سراسر عهد عتیق و عهد جدید متوجه خواهیم شد، تنش بین این واقعیت است که خدا از قبل پادشاه است. در ادامه خواهیم دید که تعدادی مزامیر وجود دارد که این واقعیت را اثبات می‌کنند که خدا پادشاهی است که از قبل بر تمام خلقت حکومت می‌کند، با این حال خدا از قبل پادشاه است، اما هنوز باید پادشاه شود. خدا از قبل پادشاه است، اما هنوز پادشاه نیست.

بنابراین، شما همچنین این حس را دارید که اگرچه خدا پادشاه است، اما پادشاهی و حاکمیت هنوز به طور کامل در سراسر خلقت او تحقق نیافته است. بنابراین، همانطور که شروع به بررسی موضوع پادشاهی خدا می‌کنیم، مانند اکثر مضامین دیگری که بررسی کرده‌ایم، نقطه شروع باغ عدن در پیدایش ۱ و ۲ است، بنابراین من به عقب بر نمی‌گردم و متن خاص را نمی‌خوانم، اما بخش زیادی از آنچه که می‌خواهم بگویم منعکس کننده مطالبی است که در رابطه با تصویر خدا نیز مورد بحث قرار دادیم. بنابراین، نقطه شروع درک این است که آدم و حوا قرار است به عنوان نایبان خدا عمل کنند.

ما دیده‌ایم که آدم و حوا با آفریده شدن به تصویر خدا، قرار است به عنوان نمایندگان او حکومت کنند و با اعمال سلطه بر زمین، جلال و حکومت خدا را در سراسر خلقت منعکس کنند. سپس، در پیدایش ۳، بارها

و بارها می‌بینیم که چگونه آن نیت و آن نقشه به دلیل گناه خنثی می‌شود. بنابراین، آدم و حوا از باغ مقدس خدا تبعید می‌شوند و اساساً زمین تحت سلطه شیطان قرار خواهد گرفت.

بعداً، به ویژه در برخی از متون عهد جدید، خواهیم دید که شیطان چگونه حاکم این جهان است. او پادشاه این جهان است. بنابراین بخشی از برقراری پادشاهی خدا این است که چگونه خدا شیطان را شکست خواهد داد و چگونه زمین بار دیگر تحت حاکمیت و فرمانروایی خدا و قومش قرار خواهد گرفت تا نیت خدا در پیدایش ۱ و ۲ محقق شود. همچنین دیدیم که در مزمور ۸، مزمور ۸ عمل خلاقانه اولیه خدا را جشن می‌گیرد و تقریباً آنچه را که بشریت باید به انجام برساند و آنچه آدم باید با حکومت بر خلقت به انجام می‌رساند، آرمانی می‌کند.

تو بر آثار دست او حکومت می‌کنی. تو برای حکومت بر آثار دست او منصوب شده بودی. اما بدیهی است، همانطور که در عبرانیان دیدیم، این اتفاق نیفتاد و هنوز هم نیفتاده است.

اما عیسی مسیح، همانطور که قبلاً دیدیم، می‌آید تا نیت واقعی خدا برای حکومت آدم بر خلقت را آغاز و احیا کند. بنابراین، یک بار دیگر، می‌توانیم این را به شکل یک سوال، پس از گناه بشریت در پیدایش ۳ مطرح کنیم. و اینگونه است که از دزموند الکساندر در مقدمه کوچکش بر الهیات کتاب مقدس از عدن تا اورشلیم جدید نقل قول خواهیم کرد. او می‌گوید که حاکمیت خدا، به نظر من، نوعی مترادف با پادشاهی خداست.

چگونه حاکمیت خدا احیا و بر کل زمین گسترش خواهد یافت؟ چگونه پادشاهی خدا در سراسر جهان برقرار خواهد شد؟ بنابراین، پس از پیدایش ۳، بقیه عهد عتیق و تا عهد جدید را می‌توان به عنوان قصد خدا برای احیای حاکمیت و حکومت خود بر تمام خلقت از طریق قومش دانست.

همانطور که او در پیدایش ۱ و ۲ در نظر داشت. دفعه بعد، به بخش‌های اصلی عهد عتیق خواهیم پرداخت. من فقط وقت دارم که با قلم‌موی نسبتاً پهن نقاشی کنم. اما نقطه توقف بعدی ممکن است خروج، فصل ۱۹، آیه ۶ باشد. ما قبلاً به این موضوع در رابطه با تصویر خدا پرداخته‌ایم.

با این حال، در فصل ۱۹، آیه ۶، خداوند قصد خود را مبنی بر اینکه اسرائیل باید به عنوان پادشاهی کاهنان عمل کند، بیان می‌کند. به عبارت دیگر، بار دیگر، اسرائیل اکنون باید کاری را که آدم در انجام آن شکست خورد، به انجام برساند. و آن گسترش حکومت خدا بر تمام خلقت است.

تا واسطه‌های حکومت خدا و حضور او به عنوان پادشاهی کاهنان در سراسر خلقت باشند. بنابراین، اکنون کاری که آدم در انجام آن شکست خورد، خدا اکنون از طریق ابراهیم انتخاب می‌کند. اکنون، او اسرائیل را به عنوان پادشاهی کاهنان خود انتخاب می‌کند تا در نهایت حکومت خود را در سراسر خلقت گسترش دهد.

برای میانجیگری در حکومت و حضور او در سراسر خلقت. نقطه توقف دیگر در ارتباط با این موضوع، در واقع رفتن به قبل از آن متن است. این می‌تواند نگاهی اجمالی به خروج باشد.

نجات قومش توسط خدا در کتاب خروج در نهایت مطابق با فصل ۱۵ کتاب خروج است. سرودی که موسی پس از عبور آنها از دریای سرخ می‌خواند. پیروز و رهایی یافته از ظلم و بردگی مصریان.

سرود موسی در فصل ۱۵، آیات ۱۱-۱۳ و ۱۷-۱۸ آمده است. آیات ۱۱-۱۳ این را می‌گوید. کیست در میان خدایان مانند تو، باشکوه در قدوسیت، مهیب در جلال، و معجزات انجام می‌دهد؟

دست راست خود را دراز کردی و زمین دشمنان را فرو برد. با محبت بی‌پایانت، قومی را که نجات داده‌ای، رهبری خواهی کرد. با قدرتت، آنها را به سوی مسکن مقدس خود هدایت خواهی نمود.

و سپس آیات ۱۷-۱۸. تو آنها را خواهی آورد و در کوه میراث خود خواهی نشاند. جایی که تو مسکن خود ساختی، پناهگاه، ای خداوند، دستان تو استوار شد.

خداوند تا ابد سلطنت می‌کند. بنابراین، خروج یک نمایش بود. آغازی برای نشان دادن استقرار حاکمیت و سلطنت خدا بر همه چیز.

در واقع، می‌توان گفت که خود سفر خروج بر این واقعیت استوار بود که خدا پادشاه حاکم بر همه چیز بود، بنابراین، حتی در سفر خروج، مضامین پادشاهی و حکومت و حاکمیت خدا را می‌یابیم. نقطه توقف بعدی، نگاهی اجمالی به سلطنت اسرائیل و عهد داوود خواهد بود.

برمی‌گردم و متن دوم سموئیل را به طور خلاصه می‌خوانم، و بعد تعدادی از متون دیگر را نمی‌خوانیم. تعدادی از متونی که قبلاً در رابطه با عهد داوود خوانده‌ایم. بنابراین، هر آنچه که در مورد عهد داوود گفتیم، در مورد آنچه اکنون می‌گوییم نیز صدق می‌کند.

و به همین دلیل است که خدا با داوود عهد بست. خدا عهد خود را با داوود استوار می‌کند، که در آن داوود در تحقق وعده‌های ابراهیمی حکومت خواهد کرد. داوود اکنون حکومت خواهد کرد، و به طور خاص، خدا وعده می‌دهد که پس از پادشاهی داوود، داوود پس از خود فرزندی خواهد داشت تا تخت داوود هرگز پایانی نداشته باشد.

بنابراین، در فصل ۷ و آیه ۱۴، در واقع، من به آیه ۱۲ برمی‌گردم. وقتی روزهای تو تمام شود و تو آرام بگیری، وقتی داوود بمیرد و با اجدادت برود، من فرزندان تو را برای جانشینی تو، از گوشت و خون خودت برخوردارم انگیزت و پادشاهی او را برقرار خواهم کرد. بنابراین، پادشاهی داوود هرگز پایان نخواهد یافت؛ ادامه خواهد یافت و جاودانه خواهد بود.

و اوست که برای من خانه‌ای، برای نام من، معبدی خواهد ساخت، و من تخت پادشاهی او را تا ابد استوار خواهم کرد. من پدر او خواهم بود و او پسر من. فرمول عهد داوود.

و بعد وقتی بقیه کتاب سموئیل را می‌خوانیم، وقتی به اول و دوم پادشاهان می‌رسیم و تواریخ را می‌خوانیم شرح سلطنت اسرائیل را می‌خوانیم که توسط پادشاهان پس از پادشاهان، برخی از آنها خوب، برخی از آنها بسیار بد و شرور، انجام شده است و در نهایت این چیزی است که اسرائیل را به دردمند ساخته و به تبعید می‌کشاند. اما نکته این است که من استدلال می‌کنم که سلطنت اسرائیل، که با عهد داوود آغاز و برقرار شد، وسیله‌ای است که از طریق آن مأموریت آدم برای حکومت بر تمام خلقت و مأموریت اسرائیل برای حکومت، خروج ۱۹:۶، شما یک پادشاهی از کاهنان خواهید بود، همانطور که اکنون این امر محقق شده است. قصد آدم برای حکومت بر خلقت، که توسط گناه ویران شده بود، سپس این قصد که اسرائیل، به نوعی یک آدم جدید، یک پادشاهی از کاهنان باشد، روشی که خدا اکنون به طور خاص قصد اسرائیل را محقق خواهد کرد، از طریق پادشاهی که بر آنها حکومت خواهد کرد، انجام خواهد شد.

بنابراین عهد داوودی در پایان روز، عهدی که خدا با داوود می‌بندد مبنی بر اینکه پادشاهی خواهد بود و پادشاهی او تا ابد پایدار خواهد ماند و این راهی است که در نهایت پادشاهی کاهنان بودن اسرائیل به ثمر خواهد نشست، باز هم، این فقط یک فکر فرعی نیست، اینکه چرا به آنها پادشاهی برای حکومت نمی‌دهیم تا بتوانند نظم و ترتیب و چیزهایی از این قبیل را حفظ کنند و همه دشمنان را شکست دهند، اگرچه این

بخشی از آن است، اما در نهایت به نیت خدا برای آدم و حوا در خلقت اولیه برمی‌گردد، و سپس همچنین به نیت خدا مبنی بر اینکه اسرائیل کاری را که آدم و حوا با پادشاهی کاهنان بودن نتوانستند انجام دهند، به انجام برساند. اکنون، اسرائیل از طریق تأسیس پادشاهی داوودی و سلطنت، به عنوان پادشاهی کاهنان عمل خواهد کرد. وقتی به مزامیر می‌رسیم، اشاراتی به انتظار یک پادشاه داوودی و یک پادشاهی، اما پادشاهی‌ای که در نهایت جهانی خواهد شد، می‌یابیم.

بنابراین، برای مثال، در مزمویر فصل ۲ دیدیم، چیزی که اغلب مزمویر سلطنتی نامیده می‌شود و مزمویر دیگری است که بعداً در عهد جدید به عیسی مسیح نسبت داده می‌شود. در مزمویر فصل ۲، چرا ملت‌ها توطئه کردند و نقشه مردم بیهوده بود؟ پادشاهان زمین قیام می‌کنند، حاکمان علیه خداوند و علیه مسح‌شدگان متحد می‌شوند و می‌گویند: «بیایید زنجیرهایشان را بشکنیم.» آیه ۴، آن که در آسمان بر تخت نشسته است می‌خندد، خداوند آنها را مسخره می‌کند، او آنها را در خشمشان توبیخ می‌کند.

آیه ۶، من پادشاه خود را بر صهیون، کوه مقدس خود، نصب کرده‌ام. من احکام خداوند را اعلام خواهم کرد. او به من گفت: تو پسر من هستی، امروز من پدر تو می‌شوم.

از من بخواه، و من میراث تو را به ملت‌ها خواهم داد. اقصای زمین ملک توست. بنابراین، در مزمویر فصل ۲، می‌بینیم که در نهایت، از طریق پادشاه داوود است که قصد خدا برای حکومت بر تمام زمین در تحقق ۲، پیدایش ۱، سرانجام به وقوع خواهد پیوست.

و ما چیزی مشابه را در مزمویر ۸ می‌بینیم، هرچند که لزوماً مزمویر داوود نیست. جالب است که در باب‌های ۲ و کتاب عبرانیان، هر دو مزمویر به مسیح اشاره دارند. اما باب ۸ مزمویر، تصویر ایده‌آل از بشریت که بر ۱ خلقت حکومت می‌کند، و باب ۸۹ مزمویر، متنی دیگر از عهد داوود، همگی پیش‌بینی و انتظار یک پادشاه داوودی و پادشاهی‌ای را دارند که به طور جهانی در سراسر جهان و بر کل زمین گسترش خواهد یافت.

نکته جالب توجه دیگر که در مزامیر می‌بینیم، تأکید در سراسر آن است که یهوه از قبل پادشاه تمام زمین است. برای مثال، در مزامیر فصل ۲۴ و آیه ۱، زمین و هر آنچه در آن است، از آن خداوند است، جهان و همه ساکنان آن. زیرا او آن را بر دریاها بنا نهاد و آن را بر آب‌ها استوار کرد.

برای مثال، در مزمویر فصل ۲۹ و آیه ۱۰، خداوند بر فراز سیل نشسته است. خداوند تا ابد به عنوان پادشاه بر تخت نشسته است. مزمویر فصل ۴۷ و ۱ و ۲، همچنین ۴۷ و آیات ۱ و ۲، ای همه ملت‌ها، دست بزنید برای خداوند، برای خدا با فریاد شادی فریاد بزنید، زیرا خداوند متعال مهیب است، پادشاه بزرگ بر تمام زمین.

و مزمویر ۱۰۳ و آیه ۱۹، فقط برای یک مورد دیگر، مزمویر ۱۰۳ و آیه ۱۹، خداوند تخت خود را در آسمان برقرار کرده است و پادشاهی او بر همه چیز حکومت می‌کند. بنابراین، دوباره این تنش را بین این واقعیت می‌بینید که خدا از قبل بر همه چیز پادشاه است، اما به یک معنا، او هنوز باید حاکمیت خود را بر تمام خلقت برقرار کند و همه مردم را تحت حاکمیت و حکومت خود درآورد. بنابراین، آنچه تاکنون می‌بینیم این است که آدم و حوا اولین حاملان تصویر خدا هستند که با انعکاس تصویر خدا، قرار است بر تمام خلقت حکومت کنند.

قصد خدا در پیدایش ۱:۲۶-۲۸ این است که آدم و حوا بر تمام خلقت حکومت کنند و حکومت و حضور خدا را در سراسر جهان گسترش دهند، اما در پیدایش ۳، آنها به دلیل گناه در انجام این کار شکست می‌خورند و از باغ عدن تبعید می‌شوند. سپس اسرائیل، خدا اسرائیل را به عنوان قوم جدید خود، به تعبیری، آدم جدید، انتخاب و برمیگزیند، کسی که کاری را که آدم نتوانست انجام دهد، انجام خواهد داد، و آن این

است که به عنوان پادشاهی کاهنان، به عنوان پادشاهی کاهنان، اکنون حکومت خدا و حضور او را در سراسر خلقت گسترش خواهند داد. آنها واسطه حکومت خدا در تمام خلقت خواهند بود.

با این حال، آنها نیز سرنوشتی بهتر از آدم و حوا ندارند. آنها نیز گناه می‌کنند و از سرزمین خود تبعید و از حضور خدا دور می‌شوند. اما قبل از آن، برای کمی عقب‌نشینی، به طور خاص‌تر، اسرائیل چگونه هدف خود را که پادشاهی کاهنان بودن است، محقق خواهد کرد؟ این از طریق سلطنت داوودی است.

از طریق سلطنت، به طور خاص‌تر، از طریق پادشاه داوود، از طریق پسر داوود و فرزندانش، پادشاهی او خداوند نیت خود را نه تنها برای اسرائیل، بلکه از طریق آدم و حوا نیز محقق خواهد کرد، که در نهایت سلطنت و حکومت خدا در سراسر زمین گسترش خواهد یافت. حال، همانطور که گفتم، اسرائیل نیز وضعیت بهتری نداشت و تداوم پادشاهی نشان می‌دهد که بسیاری از پادشاهان گناهکار و شرور بودند و مانند آدم و حوا، هدف خدا را محقق نکردند. بنابراین، اسرائیل نیز تبعید و از حضور خدا رانده شده و تحت بندگی یک ملت بیگانه تبعید شده است.

حال، این ما را به انتظارات نبوی مبنی بر احیای یک پادشاه یا پادشاهی از نسل داوود می‌رساند. باز هم سوالی که به آن پرداختیم همچنان پابرجاست. چگونه حاکمیت خدا احیا و بر کل زمین گسترش خواهد یافت؟ چگونه پادشاهی خدا در سراسر جهان برقرار خواهد شد، کاری که قرار بود آدم و حوا انجام دهند، کاری که قرار بود اسرائیل انجام دهد، اما به دلیل گناه در انجام آن شکست خورد.

این سوال هنوز باقی است: چگونه حاکمیت و پادشاهی خدا در سراسر زمین احیا و برقرار خواهد شد؟ این ما را به انتظارات نبوی از پادشاهی احیا شده داوود می‌رساند. و به یاد داشته باشید، وسیله‌ای که خدا قرار است پادشاهی خود را از طریق اسرائیل برقرار کند، از طریق پادشاهی داوود، از طریق عهدی بود که خدا با داوود بست مبنی بر اینکه پادشاهی او ابدی خواهد بود و هرگز به پایان نخواهد رسید. و بنابراین، ما متون نبوی عهد عتیق را می‌بینیم که به احیا، خلقت جدید آینده، نجات آینده، احیای قوم خدا در چارچوب احیای پادشاهی داوود اشاره می‌کنند.

بنابراین، برای مثال، احتمالاً شناخته‌شده‌ترین متنی که فکر می‌کنم قبلاً خوانده‌ایم اما دوباره خواهیم خواند چیست؟ یکی از شناخته‌شده‌ترین متون، متن اشعیا ۹ است. اگرچه موضوع پادشاهی داوود به این محدود نمی‌شود، همانطور که فکر می‌کنم قبلاً اشاره کردم، شما این زبان شاخه‌ای از داوود را می‌بینید که قرار است جوانه بزند، که نویسندگان عهد جدید نیز از آن استفاده می‌کنند، اما باید بگویم که با این نوع زبان ریشه یا شاخه‌ای از جسی، اغلب روش اشعیا برای نشان دادن انتظار پادشاهی احیا شده داوود است. اما در فصل ۹ با شروع از آیه ۶، ۷ و ۸ را می‌خوانم. زیرا برای ما فرزندی به دنیا آمده است؛ برای ما پسری داده شده است. و حکومت بر دوش او خواهد بود.

که از قبل زبان پادشاهی و حاکمیت را معرفی می‌کند. و او مشاور شگفت‌انگیز، خدای قادر، پدر سرمدی و سرور صلح نامیده خواهد شد. عظمت حکومت و صلح او پایانی نخواهد داشت.

او بر تخت داوود و بر قلمرو داوود سلطنت خواهد کرد و آن را با عدالت و راستی از آن زمان به بعد و تا ابد برقرار و استوار خواهد داشت. غیرت خداوند متعال این را به انجام خواهد رساند. بنابراین، اشعیا ۹، در همان ابتدای کتاب خود، از قبل احیای تخت و پادشاهی داوود را پیش‌بینی می‌کند، جایی که او بر همه حکومت خواهد کرد.

پادشاهی او بر همه چیز حکومت خواهد کرد و جاودانه خواهد بود. تا ابد ادامه خواهد داشت. شما مشابه این را در متون دیگر نیز می‌بینید.

حزقیال فصل ۳۴، و همچنین ۳۶. حزقیال فصل ۳۴، و همه این متون به صراحت از پادشاه داوود نام نمی‌برند. باز هم، برخی از این متون به طور گسترده‌تر فقط به پادشاهی که احیا خواهد شد اشاره می‌کنند.

اما فصل ۳۴ و آیات ۲ و بعد از حزقیال، ما بخش زیادی از این را قبلاً خوانده‌ایم و نمی‌خواهم دوباره کل آن را بخوانم. اما حزقیال ۳۴ و ۲ تا ۲۸، جایی است که زبان گوسفندان و چوپان و انتظار اینکه چوپانان اسرائیل در رهبری مردم ضعیف عمل کردند را می‌یابیم. آنها شرور بودند.

بنابراین، نویسنده اکنون منتظر چوپان دیگری است. و او این را با شروع آیه 20 از حزقیال 34 توصیف می‌کند. بنابراین، این همان چیزی است که خداوند متعال به آنها می‌گوید.

اینک من خود میان گوسفندان چاق و گوسفندان لاغر داوری خواهم کرد، زیرا شما با پهلوی و کتف خود تنه می‌زنید و همه گوسفندان ضعیف را با شاخ‌های خود جوانه می‌زنید تا آنها را از خود برانید. من گله خود را نجات خواهم داد و دیگر غارت نخواهند شد. من میان گوسفندان داوری خواهم کرد.

من یک شبان بر آنها خواهم گماشت، بندهام داوود. و او از آنها مراقبت خواهد کرد، او از آنها مراقبت خواهد کرد و چوپان آنها خواهد بود. من، خداوند، خدای آنها خواهم بود، و بندهام داوود در میان آنها فرمانروا خواهد بود.

و من، خداوند، این را گفته‌ام. ما قبلاً این را در فصل ۳۷ کتاب حزقیال، آیه ۲۴ دیدیم.

بنده من داوود بر آنها پادشاه خواهد بود و همه آنها یک شبان خواهند داشت. آنها از قوانین من پیروی خواهند کرد و مراقب خواهند بود که فرامین من را به جا آورند. بنابراین، حزقیال نیز احیای سلطنت داوود را پیش‌بینی می‌کند.

وقتی خدا قوم خود را به سرزمینشان بازمی‌گرداند، و در یک رابطه عهد جدید که شامل حکومت داوود بر قومش در تحقق وعده‌های داوودی می‌شود. زکریا فصل ۱۴. در زکریا فصل ۱۴، متن دیگری احیای آینده آمدن پادشاهی خدا در آینده را پیش‌بینی می‌کند.

در آیات ۱۶ تا ۱۹. سپس، بازماندگان تمام ملت‌هایی که به اورشلیم حمله کرده‌اند، سال به سال برای پرستش پادشاه، خداوند، خدای قادر مطلق، و جشن گرفتن عید خیمه‌ها به آنجا خواهند رفت. اگر کسی از مردم زمین برای پرستش پادشاه، خداوند، خدای قادر مطلق، به اورشلیم نرود، هیچ پادشاهی نخواهد داشت.

اگر مصریان نروند و شرکت نکنند، دیگر پادشاهی نخواهند داشت. خداوند بلاهایی را بر آنها نازل خواهد کرد تا ملت‌هایی را که برای جشن گرفتن عید خیمه‌ها نمی‌آیند، گرفتار کند. مجازاتی برای آن مصریان، مجازاتی برای ملت‌هایی که برای جشن گرفتن نمی‌آیند، وجود خواهد داشت.

مطالب بسیار بیشتری وجود دارد که می‌توانیم در این بخش بخوانیم، اما زکریا ۱۴ همچنین زمانی را پیش‌بینی می‌کند که خدا سلطنت خود را احیا خواهد کرد، زمانی که خدا بر همه چیز در تحقق وعده‌های سلطنت خواهد کرد، که باز هم به نظر من همه چیز به خلقت اولیه برمی‌گردد، جایی که قصد خدا گسترش سلطنت خود در سراسر خلقت از طریق حاملان تصویرش بود. احتمالاً باید فصل ۷ دانیال را نیز بیابیم، که لحظه‌ای پیش خواندیم، وقتی دانیال از آیه ۱۱ شروع می‌کند، می‌گوید: «سپس به خاطر سخنان غرورآمیزی که شاخ می‌گفت، به تماشا ادامه دادم. من به نگاه کردن ادامه دادم تا اینکه وحش کشته شد و بدنش نابود شد.»

بگذارید به آیه ۱۳ بروم. در رؤیای خود، دانیال فصل ۱۳: ۷، شب هنگام نگاه کردم و آنجا کسی مانند پسر انسان را دیدم که با ابرهای آسمان می آمد. او به قدیم الایام نزدیک شد و به حضور او آورده شد.

به او اقتدار، جلال و قدرت حاکمیت داده شد. همه ملت‌ها و مردم از هر زبانی او را پرستش می کردند. سلطنت او یک سلطنت ابدی است که به نظر می رسد منعکس کننده زبان داوود، زبان عهد داوود، یک پادشاهی ابدی و یک سلطنت ابدی است که از بین نخواهد رفت.

و پادشاهی او پادشاهی ای است که هرگز نابود نخواهد شد. بنابراین، دانیال ۷ همچنین از ظهور پسر انسان خبر می دهد که گفتیم ممکن است هم به صورت جمعی و هم به صورت فردی باشد - فردی که نماینده ملت اسرائیل است.

اما شخصیتی از نسل انسان که به نظر می رسد قصد عهد داوود برای برقراری سلطنت ابدی داوود را به تحقق می رساند. یک سلطه ابدی، یک پادشاهی ابدی. اما من همچنین استدلال می کنم که این به نیت اولیه خدا در خلقت برمی گردد که آدم و حوا حکومت خدا را در سراسر خلقت گسترش دهند، که در انجام آن شکست خوردند.

بنابراین، برای خلاصه کردن شواهد عهد عتیق، خداوند باید حکومت و حاکمیت جهانی خود را بر کل زمین برقرار کند. کاری که قرار بود آدم و سپس اسرائیل انجام دهند. با این حال، آنها در انجام آن شکست خوردند.

اما خدا این را به انجام خواهد رساند. کمی بعد خواهیم دید. خدا این را از طریق پسرش، یک حاکم از نسل داوود، به انجام خواهد رساند و برکات رستگاری و پادشاهی خود را برای قوم خود و در نهایت برای کل زمین به ارمغان خواهد آورد.

و اساساً متن نبوی همین جا به پایان می رسد. با آن وعده و آن انتظار. این ما را به انجیل‌های هم‌نوا می رساند.

یا عهد جدید ما را به عهد جدید می رساند. ما با انجیل‌های هم‌نوا شروع می کنیم. متی، مرقس و لوقا.

زیرا آنها به وضوح از زبان پادشاهی خدا استفاده می کنند. وقتی به انجیل‌های هم‌نوا مراجعه می کنید، متوجه می شوید که پادشاهی خدا از همان ابتدای موعظه و تعلیم عیسی در انجیل‌ها، به بارزترین ویژگی رسالت او تبدیل می شود. بنابراین، برای مثال، در انجیل مرقس، فصل ۱ و آیه ۱۵، آیه ۱۴ را می خوانیم. پس از اینکه یحیی به زندان افتاد، عیسی به جلیل رفت و مژده خدا را اعلام کرد.

و این مژده است، او اعلام کرد. او گفت: زمان فرا رسیده است، پادشاهی خدا فرا رسیده است. توبه کنید و به مژده ایمان آورید.

ما دقیقاً همین موضوع را در ابتدای خدمت عیسی در متی فصل ۴ می یابیم. بنابراین، پس از غسل تعمید و آزمایش عیسی در بیابان. فصل ۴ و آیه ۱۷. از آن زمان به بعد، عیسی شروع به موعظه و توبه کرد زیرا پادشاهی آسمان نزدیک یا نزدیک شده است.

جالب اینجاست که در این متون، عیسی پادشاهی خدا را تا جایی که به معنای آن است و شامل چه چیزهایی می شود، تعریف نمی کند. هیچ کس هرگز از او نمی خواهد که آن را تعریف کند. این جالب است.

هیچ کس هرگز نمی گوید منظورتان از اینکه پادشاهی خدا نزدیک است چیست؟ پادشاهی خدا که اکنون ارائه می دهد چیست؟ در عوض، عیسی و خوانندگان فرض می کنند که می دانند چیست. من فکر می کنم بر اساس متن عهد عتیق که به آن نگاه کردیم، قصد خدا برای برقراری سلطنت و حکومت خود بر تمام خلقت از طریق پادشاهی از نسل داوود است که برکات رستگاری و برکات حکومت خدا را برای قوم خود به ارمان خواهد آورد. و آن حکومت در نهایت در سراسر زمین گسترش خواهد یافت.

بنابراین، به نظر می رسد عهد عتیق زمینه ای را تشکیل می دهد که می توانسته هدف عیسی و آنچه مردم هنگام موعظه عیسی مبنی بر نزدیک بودن این پادشاهی خدا درک می کردند را شکل دهد. حال، قبل از اینکه به طور خاص به انجیل ها نگاه کنیم، نکته دیگری که باید بگوییم این است که بارزترین ویژگی پیام عیسی این واقعیت است که به نوعی، پادشاهی از قبل در شخص و خدمت عیسی وجود داشته است، اما هنوز نیامده است. هنوز در آینده نهفته است.

یعنی، یک بار دیگر، ما در چارچوب آن آخرالزمان آغازین هستیم که از قبل وجود داشته اما هنوز نه پادشاهی خدا از قبل وجود دارد. مردان و زنان می توانند وارد پادشاهی خدا شوند و پادشاهی خدا را تجربه کنند.

گفتیم که پادشاهی خدا به معنای سلطنت و حکومت پویای خدا، حاکمیت خداست. مردان و زنان می توانند وارد آن شوند و آن را اکنون، پیش از تجلی نهایی آن در آینده، تجربه کنند. برخی از نوشته های جورج الدون لاد، حداقل در ایالات متحده، رایج ترین آثار در رواج آن بوده اند، اگرچه پیش از این، دیگران، مانند اسکار کولمن و دیگران، ایده پادشاهی را که اکنون اینجاست اما هنوز نه، توسعه داده و در مورد آن صحبت کرده اند.

این جورج الدون لاد بود که آن را در ایالات متحده و شاید جاهای دیگر رواج داد، اگرچه دیگران آن را قبل و بعد از او توسعه داده اند. اما شاید این مشخص ترین ویژگی درک پادشاهی باشد. طبق متن نبوی عهد عتیق صرفاً آینده چیست؟ آنچه آنها انتظار دارند چیزی آینده است که اتفاقاً در روز خداوند، زمانی که خلقت جدید فرا می رسد، روز احیا، رخ داده است، روزی که عیسی جدید اکنون و نویسندگان عهد جدید اکنون متقاعد شده اند که به نوعی پیش از پایان و تجلی نهایی آن، از قبل وجود داشته است.

بنابراین، این نکته را هنگام بررسی شواهد انجیل و شواهد بقیه عهد جدید نیز در نظر خواهیم داشت. اکنون، به طور خلاصه، تا آنجا که به برخی از داده های واژگانی مربوط می شود، خود عبارت پادشاهی خدا که من معتقدم این عبارت به آن شکل در عهد عتیق وجود ندارد، اگرچه اشارات زیادی به پادشاه، پادشاهی و سلطنت و حکومت خدا و چیزهایی از این قبیل وجود دارد. اما عبارت پادشاهی خدا در واقع فقط چهار بار در متی آمده است.

در عوض، متی عبارت دیگری را ترجیح می دهد که پادشاهی آسمان است. به نظر من، این دو اصطلاح مترادف هستند. آنها به چیزهای متفاوتی اشاره نمی کنند.

پادشاهی آسمان احتمالاً صرفاً روشی برای توصیف این پادشاهی به عنوان پادشاهی ای است که از بالا می آید. این در تضاد با پادشاهی زمینی است. این پادشاهی از بالا می آید، از آسمان می آید.

و بنابراین، متی پادشاهی آسمان را ترجیح می دهد و ۳۲ بار از آن در مقابل پادشاهی خدا چهار بار استفاده می کند. مرقس ۱۴ بار از عبارت پادشاهی خدا استفاده می کند. لوقا ۳۲ بار از عبارت پادشاهی خدا استفاده می کند.

و یوحنا فقط چهار بار از آن استفاده می‌کند. او اصطلاحات حیات جاودان یا زندگی را ترجیح می‌دهد، جایی که اغلب انجیل‌های هم‌نوا به پادشاهی خدا اشاره می‌کنند. بنابراین، همانطور که می‌بینید، در سراسر انجیل‌ها، پادشاهی خدا نقش مهمی در آنچه عیسی مسیح برای انجام آن می‌آید و آنچه ارائه می‌دهد، ایفا می‌کند.

حالا، قبل از اینکه به برخی از شواهد نگاه کنیم، اگر می‌توانستیم فقط خلاصه کنیم، شاید ارزشمندتر باشد که تا انتها صبر کنیم و چارچوبی برای بررسی برخی از این متون ارائه دهیم. توماس شراینر، توماس شراینر در الهیات عهد جدید خود، پادشاهی خدا را اینگونه خلاصه کرد. یعنی وقتی عیسی آمد و پادشاهی خدا را موعظه کرد، چه چیزی را ارائه می‌داد؟ و شنوندگان او چه انتظاری داشتند؟ آنها چه فهمیدند؟ تام شراینر این را می‌گوید: آنها فهمیدند که او طلوع دوران باشکوهی را اعلام می‌کند که در آن اسرائیل تعالی می‌یابد و ملت‌ها مطیع خدای اسرائیل خواهند بود.

خداوند بر تمام زمین سلطنت خواهد کرد. پسر داوود به عنوان پادشاه او خدمت خواهد کرد و تبعید پایان خواهد یافت. عهد جدید محقق خواهد شد.

قوم خدا شریعت او را حفظ می‌کردند و وعده خلقت جدید به واقعیت تبدیل می‌شد. خداوند روح خود را بر همه موجودات می‌ریخت و وعده‌های ابراهیم مبنی بر اینکه همه ملت‌ها تا اقصی نقاط زمین برکت خواهند یافت، به واقعیت تبدیل می‌شد. و به گفته شراینر، پادشاهی خدا نوعی پوشش است که همه اینها را می‌پوشاند.

بنابراین، می‌بینید که پادشاهی خدا می‌تواند به راحتی به یک مفهوم نسبتاً گسترده تبدیل شود. اما به نظر من این توصیف به سادگی زمان، پیامدها، اثرات و برکات همراه آن را که هنگام آمدن خدا برای تأسیس پادشاهی خود برقرار می‌شوند، توصیف می‌کند. بنابراین، این همان چیزی است که مردم انتظار دارند.

و باز هم، به همین دلیل است که وقتی عیسی می‌آید و پادشاهی خدا را اعلام می‌کند، نیازی به تعریف و توصیف آن ندارد. خوانندگان او نیازی به درخواست توضیح در مورد منظور دقیق او ندارند. با این حال، خواهیم دید که خوانندگان یا شنوندگان او اغلب به دلیل آنچه انتظار دارند اتفاق بیفتد، گیج می‌شوند.

گاهی اوقات پادشاهی که عیسی ارائه می‌دهد، کمی متفاوت از آن چیزی است که آنها انتظار دارند. اما این همان چیزی است که مردم وقتی می‌شنیدند پادشاهی خدا اکنون توسط شخص عیسی مسیح ارائه و اعلام می‌شود، انتظار داشتند که مردان و زنان می‌توانند وارد آن شوند. حال، فکر می‌کنم نقطه شروع، کتاب متی است.

و یک بار دیگر، متی فصل ۱ و آیه ۱. در همان ابتدا، متی قصد خود را برای به تصویر کشیدن عیسی مسیح ارائه عیسی مسیح و انجام بقیه کارهای او به عنوان پسر داوود نشان می‌دهد. او پسر داوود، پسر ابراهیم است. اما متی عیسی را به عنوان پسر داوود معرفی خواهد کرد.

و با گفتن این جمله، متی می‌خواهد ذهن شما فوراً به تمام وعده‌های داوود بازگردد. ما به برخی از وعده‌ها از دوم سموئیل ۷ تا مزامیر و متون نبوی نگاهی انداختیم. متی می‌خواهد روشن کند که عیسی اکنون پادشاه داوود است.

تحقق عهد داوود و وعده‌های پادشاهی احیا شده داوود. در واقع، ما معمولاً در ادامه متی ۱ از شجره‌نامه صرف نظر می‌کنیم تا بتوانیم مستقیماً به تولد مسیح برسیم. شجره‌نامه جالب است زیرا وظیفه اصلی آن پیوند دادن واضح عیسی مسیح است تا نشان دهد که او حق قانونی نشستن بر تخت داوود را دارد.

او پسر حقیقی داوود است. نکته جالب دیگر این است که برخی افراد اشاره کرده‌اند که شجره‌نامه به سه دسته ۱۴ نسلی تقسیم می‌شود. من انجام این کار را در همه جای کتاب مقدس توصیه نمی‌کنم، اما فکر می‌کنم اینجا عمدی است.

اگر ارزش عددی حروف عبری داوود را جمع کنید، به عدد ۱۴ می‌رسد. این تنها راه دیگری است که نویسنده متی برای تأکید بر این نکته ارائه می‌دهد که عیسی مسیح پادشاه واقعی از نسل داوود است که برای تحقق عهد با داوود می‌آید. جالب اینجاست که در متی ۱، پدر داوود، یوسف، به عنوان پسر داوود خطاب شده است و در جای دیگر، عیسی مسیح به عنوان پسر داوود خطاب شده است.

متی زبان و متون داوودی را از ابتدا تا انتها بررسی می‌کند تا روشن کند که این پادشاه وعده داده شده از نسل داوود است. این کسی است که سلطنت ابدی، پادشاهی ابدی وعده داده شده به داوود را احیا و محقق خواهد کرد. حال، کاری که در بخش بعدی انجام خواهیم داد این است که یک بار دیگر با شواهد انجیل شروع کنیم.

ما به طور خلاصه به چند متن اشاره خواهیم کرد که نشان می‌دهد پادشاهی خدا که عیسی از آن خبر می‌دهد، همزمان هم در حال حاضر و هم در آینده است.

این سخنرانی دکتر دیو متیوسون در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید است. این جلسه شانزدهم در مورد تصویر خدا، بخش ۲ و مقدمه‌ای بر پادشاهی خدا است.